

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

پتر اسکندروف* - (Petr Iskenderov)
برگردان از: ا. م. شیرینی با افزوده پورتال
۱۷ می ۲۰۱۴

نازیسم را روسیه مغلوب کرد، اما امریکا آن را احیا می کند...

همین روزها مردم پیروزی بر فاشیسم را گرامی می دارند، ضمن بزرگداشت شهیدان، به جانبازان ادای احترام می کنند. شاهکار خلقهای پیروزمند بر «طاعون فاشیسم» سال به سال با شکوه تر می شود و این، کسانی را که برای ادامه کار نازیهای قرن بیستم خیز بر داشته اند، آزار می دهد.

میلیونها انسان اروپائی هزینه سیاستهای سازشکارانه دولتهای خود را به قیمت جان خود پرداختند. با امیدواری به هدایت تجاوز آلمان به سوی شرق، دولتهای غربی با واگذاری سرزمینهای اتریش، چک و سلواکی به عنوان رشوت به هیتلر، سعی کردند با او توافق کنند. حمله خائنانه به بلجیم، اشغال فرانسه، شکست یوگسلاوی، تجاوز فاشیسم ایتالیا به البانی و یونان نقاب از چهره کثیف چنین «صلحدوستی» برافکند.

مؤرخان نظامی غربی هنوز هم بر سر آن بحث می کنند، که در امر پیروزی بر آلمان فاشیستی، ارتش اتحاد شوروی نقش تعیین کننده ایفاء کرد. یکی، از سرکردگی شایسته فرماندهان نظامی، قهرمانیهای بی سابقه سربازان، پایداری خلقهای سخن می گوید. دیگری، ترجیح می دهد چنین بگوید، که گویا، در لحظات تعیین کننده تانکهای ارتش آلمان سوخت کافی نداشتند و سرمای روسیه باعث یخ زدن روغن کاری زره پوشها می شد...

ولیکن حتی سرسخت ترین دشمنان اتحاد شوروی نمی توانند این واقعیت را انکار نمایند که پیروزی ارتش اتحاد شوروی موجب تحول بنیادی در همه عرصه های نظامی-سیاسی اروپا گردید. خود همان بلغارها یا رومانی ها که خانه هایشان در زیر سایه سیاه رژیمهای سلطنتی-فاشیستی تیره و تار شده بود، در نبردهای جبهه های شرقی رشادت خاصی از خود نشان ندادند. دفاع قهرمانانه از مسکو، پیروزی در ستالینگراد و کورسک الهامبخش همه پارتیزانها و دسته های زیرزمینی گردید، که در راه آزادی البانی، یوگسلاوی، یونان و دیگر کشورها پیکار می کردند. ۱۸ دسمبر سال ۱۹۴۲ وزارت امور خارجه اتحاد شوروی با صدور بیانییه ویژه ای از آزادی و استقلال البانی بسیار دور از مسکو پشتیبانی کرد. در این بیانییه اظهار اطمینان شده بود که خلقهای بالکان در اتحاد با هم «اشغالگران را از سرزمینهای خود بیرون خواهند راند».

تلاشهای امروزی غرب برای تغییر چهره تاریخ، متهم کردن قهرمانان مبارزه با فاشیسم به خیانت، و قهرمان نامیدن خائنان یک مورد استثنائی نیست. غرب سعی می کند آلمان فاشیستی و اتحاد شوروی را مسؤول جنگ جهانی دوم قلمداد نموده، علامت مساوی بین نازیسم و کمونیسم بگذارد. در سایه این سیاست نیز نئونازیسم در اوکراین، در کشوری که

پس از سال ۱۹۴۵ برای اولین بار در خاک اروپا روز پیروزی ۹ ماه می به روز کشتار شرکت کنندگان این جشن در شهر ماریوپل بدل گردید، طغیان کرد...

انگار دادگاه نورنبرگ که نازیسم و سازمانهای نازی را به جرم جنایت محاکمه کرد، اصلاً تشکیل نشده است! انگار نبرد اتحاد شوروی با ارتشهای فاشیستی الهامبخش رزم خلقهای اروپا علیه اشغالگران نبوده است!

در همین رابطه لازم به ذکر است، که در اروپا تلاشهایی برای بازنویسی تاریخ همه جنگهای قرن بیستم، نه فقط جنگ جهانی دوم، حتی جنگ اول جهانی به عمل می آید و سعی می شود عواملان فاجعه عمومی اروپا را تبرئه نموده، قربانیان فاجعه را مسؤول آن معرفی نمایند. در این تحریفات روی صرهبای متحد روسیه به ویژه تمرکز می شود. مفسر نیویورک تایمز، آنتونی لویس با تعریف صرهبها به عنوان جانوران وحشی شهرت یافت و کریس کلارک، مؤرخ انگلیسی ضمن صحبت از فاجعه تابستان سال ۱۹۹۵ شهر صربرنیتسای بوسنی که غرب، صرهبها را مقصر آن شناخت، اظهار داشت که «پس از صربرنیتسا» بازنگری همه ارزیابی ها از جنبش آزادیبخش ملی صرهبها در طول تمام قرن گذشته ضروری است.

مجله امریکائی «نیشنال اینترست» ضمن طرح این سؤال که «آیا احتمال دارد بحران اوکراین باعث آغاز جنگ جهانی جدیدی شود؟»، تاریخ آن بحرانهای جهانی را درست هنگامی یادآوری می کند، که رؤسای جمهور کنونی امریکا آنقدر جسارت در خود یافتند که آنچه را که جان اف کندی پس از بحران کارائیب (بحران موشکی کوبا. م.) «قواعد پایه نی عقلانیت» نامید، راهنمای عمل خود قرار دهند.

صدای دعوت به فراموشی این درسها، امروز در غرب به طور فزاینده ای به گوش می رسد. مارک ساشین در آستانه سالگرد روز پیروزی بر فاشیسم در تارنمای «اوپدنیوز» (opednews.com) نوشت: «روسیه نازیسم را مغلوب کرد، اما امریکا آن را امروز احیاء می کند». ۹ ماه می فرامی رسد، ولی ما در اینجا، در ایالات متحده امریکا، کاری به این امر نداریم. ۹ ماه می سال ۱۹۴۵، مارشال ژوکوف اولین نفری بود که سند تسلیم المان را در برلین امضاء کرد، اما در اینجا ما می خواهیم این واقعیت را فراموش کنیم. یکی از اولین فرامین فرماندهی اتحاد شوروی در ۹ ماه می در برلین در خصوص تغذیه مردم بود، ولی ما نمی خواهیم این را بدانیم. همه ساله ۹ ماه می در روسیه رژه نظامی باشکوهی برگزار می شود، ولی ما پیام تبریک به آن نمی فرستیم. در عوض، ما با شیاطین روبوسی می کنیم. ما باندربها را احیاء می کنیم و قاتلان را می ستائیم؛ مقامات عالی رتبه ما آنها را به کشتن روسها تحریک می کنند و دولت المان پول و مشاوران خود را به کمک کودتاگران در کی یف گسیل می دارد».

برای درک این که فراموش کردن درسهای جنگ جهانی دوم و حتی چنین رفتارهای سطحی بین المللی مثل «قواعد پایه نی عقلانیت» جان کندی چه عواقبی در پی خواهد داشت، نیازی به پیامبر بودن ندارد. پیامد تلاشها برای سازماندهی هجوم جدید به شرق و احیای ایدئولوژی محاکمه نشده در نورنبرگ در اروپا چه خواهد بود، برای هر کسی روشن است.

*- کارمند علمی ارشد دانشکده اسلاویان آکادمی علوم روسیه، دکتر علوم تاریخ، مفسر بین المللی رادیو «صدای

روسیه»

<http://www.fondsk.ru/news/2014/05/10/rossia-pobedila-nacizm-a-segodnja-ssha-ego-vozrozhdaut-27425.html>

۲۶ اردیبهشت- ثور ۱۳۹۳

افزوده پورتال:

ما را عقیده بر آن است که عنوان نویسنده امریکائی بر این که گویا «روسیه نازیسم را مغلوب کرد» نه تنها تمام واقعیت را بیان نمی دارد، بلکه «شوروی ستیزی» خاصی را نیز با خود حمل می نماید. زیرا بر مبنای واقعیت های تاریخی، این روسیه نبود که نازیسم را به زانو در آورد، بلکه این خلقهای شوروی سوسیالیستی بود که پیام رهبران حزبی و دولتی و در رأس همه ستالین کبیر را از دل و جان پذیرفته، جنگ کبیر میهنی را الی پیروزی بر فاشیزم المان و سقوط برلین به پیش برد؛ این خلقهای شوروی بود که به مثابه همکار نیرومند خلقهای تحت اشغال فاشیزم، ارتش های فاشیستی را قدم به قدم از آن اماکن و کشور ها رانده، امکان ایجاد جمهوری های دموکراتیک اروپای شرقی را فراهم نمود؛ این خلقهای شوروی بود که با نبرد های قهرمانه شان، چهره خدایان سرمایه را که در نهان با فاشیزم هم عهد و هم پیمان بودند، افشاء نموده، امکان آن را به وجود آوردند تا برای سالیان سال، دنیای سرمایه جرأت تعرض بر خلقهای جهان را از دست بدهد.

وقتی ما از تلاش غرب به منظور تحریف تاریخ به درستی یاددهانی می نمائیم، نباید فراموش نمائیم که جا به جایی «روسیه» با «شوروی» یکی از بزرگترین تحریفات تاریخی است که ممکن است در عصر حاضر صورت بگیرد.

اداره پورتال AA-AA